

## Judicial Review of Abuse of Administrative Power in Indian Law

Ali Mohammad Fallahzadeh<sup>1</sup>, Maziar Khademi<sup>2</sup>, Mohammad Shoaib Arefi<sup>3\*</sup>

1. Assistant Professor and Faculty Member, Department of Public and International Law, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabatabaeei University, Tehran, Iran.

2. PhD Student in Public Law, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabatabaeei University, Tehran, Iran.

3. PhD Graduate in Public Law, University of Tehran, Tehran, Iran.



### Article Type:

Original Research

Pages: 205-239

Received: 2024 April 12

Revised: 2024 June 29

Accepted: 2024 October 30



### Abstract

Judicial review over the abuse of administrative power is recognized in most legal systems, creating a balance between efficiency and the principle of legality and maintaining the fundamental rights of individuals, makes it necessary to have criteria for exercising supervision over the abuse of administrative authority. In this article, we decided to investigate the issue expressed in the Indian legal system with a descriptive-analytical method and relying on library sources. The reason for choosing this issue is the development of India's administrative law system in recent years and extensive and anti-corruption reforms regarding the functioning of executive authorities in order to promote and protect the rule of law and the nation's constitutional rights through the judicial system, especially the Supreme Court. The research question is, what criteria are used in the judicial system of India to monitor the misuse of administrative actions and what is the direction of the judicial procedure? The findings of the research are based on the fact that the Indian judicial system, while maintaining the concept of efficiency and paying attention to the necessity of expanding the authority of the administration, has considered precise criteria for monitoring administrative actions. Criteria such as malice or biased attitude, inappropriate purpose, unrelated factors, mixed considerations, ignoring related considerations, unreasonableness, which have led to establishing the rule of law over administrative actions and guaranteeing people's fundamental rights.

**Keywords:** Judicial Review, Discretionary Jurisdiction, Abuse of Discretion, India, Supreme Court

\* Corresponding Author: [drarefi99@gmail.com](mailto:drarefi99@gmail.com)

## نظارت قضایی بر سوءاستفاده از اختیارات اداری در حقوق هند

علی محمد فلاح زاده<sup>۱</sup>، مازیار خادمی<sup>۲</sup>، محمدشعیب عارفی<sup>۳\*</sup>

۱. استادیار و عضو هیات علمی گروه حقوق عمومی و بین الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

۲. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

۳. دانش آموخته دکتری حقوق عمومی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.



نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۲۳۹-۲۵۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۴/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۰۹



تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده است.

ایجاد تعادل میان کارآمدی و اصل قانونی بودن و حفظ حقوق بنیادین افراد، وجود معیارهایی را برای اعمال نظارت قضایی بر سوءاستفاده مقام اداری ضروری می‌سازد. در این مقاله بر آن شدیم با روشی توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و آرای قضایی به بررسی موضوع بیان شده در نظام حقوقی هند بپردازیم. چرایی انتخاب این موضوع توسعه نظام حقوق اداری هند در سالیان اخیر و اصلاحات گسترده و ضد فساد در مورد کارکرد مقامات اجرایی از باب ارتقا و صیانت از حاکمیت قانون و حقوق اساسی ملت از طریق دستگاه قضایی به ویژه دیوان عالی کشور است. همچنین با توجه به عدم تعریف قانونی از مفهوم سوءاستفاده از اختیارات در حقوق ایران ناچار به مراجعه به حقوق کشورهای دیگر جهت تحلیل آن هستیم. بدین جهت بدون تأکید بر بحث تطبیق دو نظام، سوال پژوهش این است که در نظام قضایی هند چه معیارهایی برای نظارت بر سوءاستفاده از اعمال اداری به کارگرفته می‌شود و رویه قضایی چه سمت و سویی دارد؟ یافته پژوهش بر این محور است که نظام قضایی هند در حین حفظ مفهوم کارآمدی و توجه به ضرورت گستردگی اختیارات اداره معیارهای دقیقی را برای نظارت بر اعمال اداری در نظر گرفته است. معیارهای چون سوءنیت یا نگرش مغرضانه، هدف نامناسب، عوامل غیرمرتبط، ملاحظه مختلط، نادیده گرفتن ملاحظات مرتبط، نامعقول بودن که به گونه‌ای متناسب به تثبیت حاکمیت قانون بر اعمال اداری و تضمین حقوق بنیادین افراد منجر شده است. در ایران نیز عناصر سوءاستفاده از اختیارات در برخی از آرای دیوان عدالت اداری و با تکیه بر دکترین حقوقی برگرفته از نظام‌های کامن لایو دیده می‌شود.

**واژگان کلیدی:** نظارت قضایی، صلاحیت اختیاری، سوءاستفاده از اختیارات، هند، دیوان عالی

## درآمد

نظارت بر دستگاه ها و مقامات اداری از مباحث مهم حقوق عمومی و به ویژه علم مدیریت است (طباطبایی موتمنی، ۱۳۹۱: ۱۶۴) در این بین، نظارت قضایی به علت برخوردار بودن از ضمانت اجرای قوی و مؤثر، بیشتر مورد تأکید و توجه قرار دارد (ملک محمدی، ارایبی، ۱۳۹۶: ۶۳) نظارت قضایی به معنای نظارت دادگاه بر اقدامات و تصمیمات مقام ها و نهادهای عمومی بر اساس قواعد و اصول حقوق عمومی است. (شفیعی سردشت و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۲۶) که ضمانت اجرای آن، ابطال عمل اداری (مقررات اجرایی) یا الزام مقام اداری به انجام آن به موجب حکم مرجع قضایی می باشد (ویژه، ۱۳۹۱: ۱۷۱).

از دگرسو در حقوق اداری بخشی از صلاحیت ها وجود دارند که تصمیم گیری و اعمال آنها به صلاح دید و تشخیص مقامات اداری واگذار شده است. به این قبیل صلاحیت ها، صلاحیت گزینشی اطلاق می شود. هر چند کنترل قضایی بر این قبیل صلاحیت ها در حقوق اداری حداقلی است، اما فرض بر این است که صلاحیت های اختیاری مقامات اداری باید به گونه ای صحیح و مناسب اعمال گردد و اعطای این صلاحیت به هیچ وجه به معنای اقدامات خودسرانه و مطابق میل شخصی نمی باشد و اداره حق سوء استفاده از این موقعیت را ندارد و مقام اداری نمی تواند بر اساس مصلحت، معیارهای غیرقانونی و غیرعقلانی از قدرت خود سوء استفاده نماید (مشهدی، ۱۳۸۹: ۶۲). این امر، ضرورت نظارت بر اعمال اینگونه صلاحیت ها را بیش از پیش آشکار می سازد.

با عنایت به توسعه نظام حقوق اداری هند در سالیان اخیر و اصلاحات گسترده و ضد فساد در مورد کارکرد مقامات اجرایی از باب ارتقا و صیانت از حاکمیت قانون و حقوق اساسی ملت از طریق دستگاه قضایی به ویژه دیوان عالی کشور، در این مقاله بر آنیم که با بررسی آرای قضایی به برداشت و گستره مفهوم سو استفاده از اختیارات در نگاه دیوان عالی این کشور و به تبع آن نظام حقوقی هند و معیارهای نظارت قضایی بر این اعمال دست یازیم و پرسش اصلی مقاله نیز در راستای اهداف پیش گفته است. با توجه به این

امرکه براساس ماده ۱۲ قانون دیوان عدالت اداری سو استفاده از اختیار یکی از جهات نظارت قضایی تصمیمات، اقدامات و مقررات اداری در نظام حقوقی ایران به شمار می رود، بررسی آرای دادگاه های هند ضمن تاکید بر قانون اساسی و قوانین عادی این کشور، توامان در دو باب نص و رویه، می تواند جهت ارتقای مفاهیم مشابه و توسعه مصادیق آن در نظام کشورمان به کار آید. تاکنون متن مجزایی در باب موضوع مذکور در نظام قضایی هند به زبان فارسی به نگارش درنیامده است هر چند که در باب سوءاستفاده از صلاحیت های اختیاری و نظارت قضایی بر آن (در حد کلیات یا با بررسی موردی آن در حقوق کشورهای دیگر) مطالعات متعددی صورت پذیرفته است که در این نوشتار مورد استفاده واقع شده است. در این راستا ابتدا به بررسی کوتاه نظام قضایی و حقوق اداری هند می پردازیم و سپس با نگاهی به قانون اساسی این کشور، ارتباط قواعد آن با مبحث سو استفاده از اختیار را مورد تحلیل قرار خواهیم داد و در پایان معیارهای نظارت قضایی بر سو استفاده از اختیارات مقام های اجرایی را بیان خواهیم نمود. ناگفته نیست محور این پژوهش بحث تطبیقی نبوده و غرض از بیان مصادیق کامن لا از جمله هند این است که این نظام به تعبیری خاستگاه مفهوم سو استفاده از اختیار بوده است و نظام حقوقی ما نیز از آن الهام گرفته است بنابراین ضمن تاکید بر تحلیل نظام قضایی هند به ارای دیوان عدالت اداری و معیارهای آن در باب نظارت قضایی بر سو استفاده از اختیارات نیز اشاره می گردد.

### ۱- نظام قضایی و حقوق اداری در هند

در کشور هند دادگاه های عادی مرجع قضایی سنتی رسیدگی به دعاوی اشخاص علیه هر شخص از جمله نهادهای عمومی شناخته می شوند. دیوان عالی این کشور نیز به عنوان عالی ترین مرجع قضایی و تضمین کننده اصلی حقوق بنیادین مقرر در بخش سوم قانون اساسی در برابر نهادهای عمومی است. همچنین دادگاه های عالی نیز صلاحیت

گسترده برای اجرای این حقوق در محدوده ایالات دارند. قابل ذکر است که حقوق بنیادین در قانون اساسی تعریف نگشته، بلکه تنها مصادیقی از آن در فصل سوم بیان شده است. (آرچی و خادمی، ۱۳۹۵: ۶۳) مطابق ماده ۱۳۲(۱) قانون اساسی هند هر شهروندی حق دارد برای اجرای حقوق بنیادین مقرر در بخش سوم قانون اساسی از طریق روند رسیدگی مقتضی به دیوان عالی مراجعه کند. در واقع هر شهروندی حق مراجعه به دیوان عالی را برای نقض این حقوق خواهد داشت بی آنکه موظف به رعایت تشریفات ویژه‌ای برای طرح دعوا باشد (رنجبر، ۱۳۹۴: ۱۰۱) طرف مورد اعتراض افراد نه تنها شامل اشخاص حقوق عمومی است بلکه هر نهادی خصوصی دارای کارکرد عمومی و دارای فعالیت هایی که با حقوق و منافع عمومی در ارتباط است را شامل می شود (Rakesh, ۲۰۱۷: ۱۳۸). مفاد قانون اساسی بیانگر اینست که نهادهای قضایی هند ملزم به رعایت نکات فنی مندرج در حقوق انگلیسی نیستند اما در عمل، نگرش دادگاه های هند به طور کلی متمایل به رویکرد انگلیسی است. (Aslam, ۲۰۲۲: ۴)

## ۲- صلاحیت های اختیاری و قانون اساسی هند

صلاحیت های اختیاری که به مقامات اداری اعطا می شود، معمولاً بسیار گسترده است و اگر مورد سوءاستفاده قرار گیرند، حقوق و منافع جامعه به شدت تحت تأثیر قرار می گیرد. در چنین مواردی، قواعد ماده ۱۴ و ۱۹ قانون اساسی هند حکفرماست. صلاحیت های اختیاری می تواند به دلیل نقض مفاد مذکور مورد چالش قرار گیرد.

### ۲-۱- محدودیت در اعطای صلاحیت های اختیاری و ماده ۱۴

ماده ۱۴ قانون اساسی هند، حق بنیادین برابری را به رسمیت شناخته است و مقرر می کند که دولت نباید برابری هیچ فردی را از لحاظ قانونی نادیده بگیرد، قانون برای هر فردی قابل اجرا است و نباید برای شخصی در مقابل دیگری تبعیض قائل شد. هر

قانونی که بین افراد تبعیض قائل شود، فاقد اعتبار است. هنگام بررسی صحت اجرای صلاحیت های اختیاری توسط مقامات اداری مقررات مشابهی نیز تصویب شد که در ادامه خواهد آمد.

دیوان عالی، بر مفاد قانون فوق، در پرونده *Tendulkar Justice v Krishna Ram* به درستی صحنه گذاشت و تأکید نمود: «... اگر قانون، دربرگیرنده هیچ‌گونه سیاست یا اصلی برای هدایت صلاحیت های تخییری نباشد، ممکن است بدرپی اعطای صلاحیت اختیاری به دولت، به نابودی کشیده شود.»<sup>۱</sup>

در پرونده *Officer Passport Assistant v Singh Satwant*، مصوبه گذرنامه، در سال ۱۹۶۷ مورد شکایت قرار گرفت. این مصوبه، به افسرگذرنامه این اختیار را می‌داد تا بدون ارائه هرگونه معیاری، گذرنامه را تأیید یا آن را رد کند. مصوبه مذکور باطل اعلام شد و از دولت خواسته شد تا معیارهایی را که طبق آن افسرگذرنامه باید اختیار عمل داشته باشد، مشخص کند. بنابراین قواعد و آرای فوق بیانگر این است رعایت الزامات اصل برابری به عنوان یک معیار در نزد قاضی اداری مطرح است؛ در عین حال میتواند به عنوان یک تکلیف نیز برای مقامات اداری باشد تا در اعمال صلاحیتهای گزینشی خود الزامات اصل برابری را رعایت نمایند. همچنین نظام حقوقی هند بر این مبنا پی ریزی شده است که هرچند اقتدار دولت از لوازم زندگی سیاسی و اصل بنیادینی است که تشخیص و استقلال حقوق عمومی را پایه گذاری می‌کند و اساسا بدون آن، نظم عمومی با اختلال مواجه خواهد شد، اما یکی از امور مهم در حقوق عمومی، نوع تعامل و پیوند این اصل با حقوق و آزادیهای مردم است که همواره باید مورد توجه قرارگیرد.» برخی از حقوقدانان به طرح مباحث حقوق اداری از جمله چگونگی تنظیم صلاحیت ها و نظارت بر تصمیم های اداری از دیدگاه نظریه های چراغ قرمز و چراغ سبز پرداخته اند. نظریه چراغ قرمز برخاسته از مبانی دولت لیبرال کلاسیک به مثابه دولت مشروط و محدود

1. A.I.R 1958.S.C.538 .

است و به خاطر بدبینی های مفرط به پدیده قدرت و مداخلات آن در جامعه بر تشدید نظارت های بیرونی از جمله بازرسی و نظارت قضایی بر فعالیتهای دولت تاکید می کند. در مقابل، نظریه چراغ سبز آزادی عمل بیشتری را برای مداخله گری دولت قایل است. این نظریه با اعتماد به دولت به دنبال کارآمدسازی آن و صیانت از منفعت عمومی است.<sup>۱</sup> اگرچی ازندریانی، ۱۴۰۰: ۹۶-۹۷) قواعد حاکم بر نظام اداری هند به دنبال این امر است که دادگاهها در مواجهه با صلاحیت های تخییری از کارکردی منطقی و منعطفی بهره برند و حقوق اداری این کشور همواره متمایل به این نوع کنترل قضایی صلاحیت هاست. در این رویکرد، کنترل قضایی نمی خواهد در انجام امور اداری دخالت کند و اختلال ایجاد نماید و واقعیتهای و دشواری های اتخاذ تصمیمات دولتی را می پذیرد.

## ۲-۲. محدودیت در صلاحیت های اختیاری و ماده ۱۹

ماده ۱۹ قانون اساسی هند، حقوق بنیادین آزادی بیان و سخنرانی را به همراه برخی حقوق دیگر به رسمیت شناخته است. بدین ترتیب، اعطای هرگونه صلاحیت اختیاری که مانعی برای اعمال یا شناسایی حقوق اساسی ملت باشد، باید باطل و یا محدود شود. ماده ۱۹ به عنوان راهنمای اعطای صلاحیت های اختیاری عمل کرده و تصریح می نماید که همه شهروندان باید از حق های مذکور برخوردار باشند. با این حال، دولت بر اساس ماده ۱۹ (۲) تا (۶)، می تواند محدودیت های معقولی را در مورد حقوق ذکر شده در این ماده تحمیل کند. دادگاه، معیارهای معقول بودن این محدودیت ها را معین می کند.<sup>۱</sup> در حالی که در مورد تصمیم گیری در مورد معقول بودن یک محدودیت، اصل مقرر این است که اختیار اعمال شده به قوه مجریه از سوی قانون، نباید خودسرانه و غیرقانونی باشد و نباید انجام آن، به طور کامل و بدون هیچ گونه بررسی و کنترل از سوی مقام فوق، به اختیار یک مقام واگذار شود. چگونگی عملکرد ماده ۱۹ به عنوان تنظیم کننده

1. Chintaman Rao v State of Madhya Pradesh ,AIR 1951 S.C.118 .

اختیارات اداری کنترل نشده را از طریق برخی پرونده‌های مهم، -جایی که قوانین اعطاکننده اختیارات خودسرانه، ناقض حقوق اساسی تضمین شده به وسیله ماده ۱۹ قانون اساسی است-، می‌توان ارزیابی کرد. در پرونده District v Sheshadri .M.R. Tangor, Magistrate، مصوبه ای که یک غرفه دار فیلم را ملزم می‌کرد تا در هر اجرا، فیلم تایید شده را با طول و مدت زمانی که دولت تعیین می‌کرد، نمایش دهد، غیر معقول تلقی شد زیرا مدت و طول فیلم در مصوبه مشخص نشده بود و به دولت صلاحیت اختیاری غیرمنظمی واگذار شده بود. در پرونده Rao .G.V v Madras، دادگاه آپکس، قانون ناقض حق آزادی انجمن‌ها را مغایر با قانون اساسی اعلام نمود زیرا قانون، به یک مقام اداری اجازه میداد که یک انجمن را از نظراقناع شخصی و با معیارهای ذهنی خود مبنی بر اینکه در حال انجام فعالیت‌های خرابکارانه بود، غیرقانونی اعلام کند. همانگونه که بیان شد، اعطای اختیارات نامحدود و بدون معیار از نظر دیوان عالی به عنوان نقض حقوق اساسی شناخته می‌شود. بنابراین ارای مذکور به درستی ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که حاکمیت و اقتدار عالی سیاسی، هرچند برای دولت، ضرورتی انکارناپذیر است اما تفکیک و توزیع این اقتدار در حوزه صلاحیت تصمیم‌گیری به دو دلیل لازم دانسته شده است. این دلایل که بیانگر فلسفه تفکیک قوا هستند، عبارتند از: جلوگیری از استبداد و فساد ناشی از تمرکز قدرت و نیز تقسیم کار و وظایف به خاطر وجود سه حوزه کارکردی تقنینی، اجرایی و قضایی. همچنین دغدغه پاسداشت حقوق و آزادیهای مردم از یک سو و احتمال سوء استفاده از صلاحیت‌ها و اختیار تصمیم‌گیری مقامات از سوی دیگر، سبب طرح و تثبیت ایده صلاحیت محدود و منطبق با قانون در این کشور شده است.

1. A.I.R 1952.Mad.120 .

2. A.I.R 1952.S.C.196 .

### ۳- معیارهای نظارت قضایی بر سوءاستفاده از اختیار اداری

همواره میان ادعاهای دولت مبنی بر اختیار مطلق و بی حد و حصر و ادعاهای افراد مبنی بر اعمال منطقی آن، تضاد وجود داشته است (Craig, ۲۰۱۰: ۵۷). برای سوءاستفاده از اختیار اداری میدان وجود دارد و بنابراین، راه چاره در تشدید شیوه و روش است نه در نسخ قدرت اختیار در مجموع. باید تفویض اختیار کنترل شود زیرا دادگاه، با قضاوت در مورد (قانونیت) مقررات یا قانونی که طبق آن، اختیارات تفویض شده‌اند، با اشاره به حقوق اساسی مقرر در ماده ۱۴ یا ۱۹ قانون اساسی هند، بر تفویض صلاحیت های اختیاری بر دولت اعمال کنترل می‌کند. بنابراین، اگر صلاحیت اختیاری مبهم یا غیرقابل کنترلی اعطا شده باشد، دادگاه می‌تواند آن متن صلاحیت را باطل یا غیرقانونی اعلام کند.

در هند، مصوبه قانونی صریحی در مورد معیارهای نظارت قضایی بر اعمال صلاحیت اختیاری وجود ندارد، در نبود هرگونه قانونی برای روند اداری، صلاحیت نظارت قضایی، از ویژگی بنیادین دادگاه‌ها در نظام حقوقی هند ناشی می‌شود. دادگاه‌ها همیشه بر این باور بودند که اختیار اعمال قضاوت و انتخاب توسط اداره، نفی حکومت قانون است. بنابراین، معیارهایی را برای کنترل و نظارت بر اعمال اختیار بوسیله مقامات اداری ایجاد کرده‌اند. معیارهایی را که دادگاه‌های هند به عنوان جهات نظارت برای سنجیدن اعمال و تصمیمات مجریه با هدف مهار اختیارات عمومی شکل داده‌اند شامل در نظر گرفتن ملاحظات نامربوط، اقدام برای هدفی نادرست، عمل با سوءنیت و نادیده گرفتن عوامل مربوطه و... می‌شود. در نظام حقوقی ایران بنابر ماده ۱۲ قانون دیوان عدالت اداری یکی از جهات نظارت قضایی سوءاستفاده از اختیارات است. با توجه به عدم ذکر مصادیق آن به صورت قانونی، این قضات دیوانند که با بیان این مفهوم و مصادیق آن از طریق ارای قضایی به این جهت نظارت قضایی حیاتی دوباره بخشیده‌اند که به اختصار این تلاش مورد اشاره قرار خواهد گرفت. سوء استفاده از اختیار را با بحث

در مورد معیارهای آن بهتر می توان درک نمود. در ذیل به بیان و تشریح این معیارهای خواهیم پرداخت.

### ۱-۳- سوءنیت یا نگرش مغرضانه<sup>۱</sup>

این اصل در نظام حقوقی مختلف شناخته شده و مقرراتی در قوانین برخی کشورها به خود اختصاص داده است؛ ولی تعریف روشن و صریحی از آن وجود ندارد. حسن نیت، اصلی اخلاقی و وجدانی است (باریکلو و خزایی، ۱۳۹۰: ۵۴). تجزیه و تحلیل این که آیا در یک پرونده خاص، اقتدار فرد از صلاحیت خویش فراتر رفته است یا خیر امری دشوار است، اما اگر انگیزه‌ای که در پس این عمل دیده می‌شود، غیرصادقانه باشد، ممکن است اقدام اداری به عنوان عمل توأم با سوءنیت در نظر گرفته شود و نامعتبر خواهد بود. اقدامات همراه با انگیزه های فاسد یا از روی غرض ورزی یا همراه با انتقام جویی و خصومت شخصی در زمره چنین اعمالی هستند. (Kumari & Kumar, ۲۰۰۱: ۵۷) این مسأله در عرصه صلاحیتهای اختیاری اهمیت دوچندانی دارد، چه آنکه منبع اصلی اجرای صلاحیت اختیاری، تکلیف محض قانونی نیست؛ بلکه به عکس، قوانین موضوعه به مقامات اداری اجازه میدهند تا این اختیار را آنگونه که میخواهند اجرا نمایند. (مشهدی و جلالی، ۱۳۹۸: ۲۲۹).

در پرونده Others and Bengal West of State v Sethia Lal Jaichand ، دیوان عالی بیان کرد که اعمال صلاحیت با سونیت ضرورتاً هرگونه اعمال فساد اخلاقی به عنوان یک روش قانونی نیست. این تنها به این معنی است که قدرت مبتنی بر قانون، برای هدفی خارج از آن چیزی که قانون قصد نموده است اعمال می شود.<sup>۲</sup> بنابراین یک اقدام اداری که بر پایه نیت غیرصادقانه یا انگیزه فاسد باشد، ممکن است به عنوان اقدامی

1. Mala Fide

2. 1996) S.C.R. 464

نادرست اعلام شود. این اقدام شامل خصومت شخصی، انتقام جویی، منفعت شخصی خود یا خویشاوندان یا دوستان آن می باشد (Harish & Manju, ۱۹۹۹, ۱۱۹).

در پرونده S. Punjab of State v Singh Paratap، دادگاه آپکس از عبارت Mala Fide برای شروع دعوای اداری در مورد رسیدگی به ادعای فردی در مورد کینه مقامات دولتی بهره برد. در این پرونده، به یک جراح مستخدم دولت ایالتی، مرخصی قبل از بازنشستگی اعطا شد اما متعاقباً آن مرخصی وی لغو و او تحت تعلیق قرار گرفت و یک اقدام انضباطی بر علیه او به اتهام پذیرفتن رشوه<sup>۱</sup> ۱۶ روپیه ای از یک بیمار قبل از رفتن به مرخصی، مطرح شد. فرجام خواه ادعا کرد که این اقدام علیه او به دادخواست وزیر ارشد که به دلیل رد تسلیم درخواست غیرقانونی او و اعضای خانواده اش، قصد تسویه انتقام شخصی داشته، آغاز شده است. دیوان عالی کشور ادعاهای فرجام خواه را درست تشخیص داد و اعمال اختیار را نادرست اعلام کرد<sup>۲</sup>. به همین ترتیب، در پرونده Sadan-Kerala of State v andan، شاکی یک تاجر فعال در فروش عمده روغن نفت سفید بود که طبق قانون ۳۰ (۱) (ب) دفاع از قواعد هند، در سال ۱۹۲۶ با هدف ممانعت از اقدام او، بازداشت شد. خواهان، به صحت بازداشت خود به دلیل وجود سوءنیت، و این که قرار بازداشت در نتیجه گزارش نادرست تهیه شده از سوی معاون ناظر پلیس صادر شده بود، اعتراض کرد. هدف معاون نظارت امنیت در تهیه این گزارش نادرست، حذف متهم از زمینه تجارت عمده روغن نفت سفید در تریوندروم بود تا خویشان وی از امتیاز مذکور بهره مند شوند و نمایندگی فروش آن را بدست آوردند. دیوان عالی پس از بررسی همه مطالب و حقایق، حکم بازداشت را به طور واضح و روشن ناصواب تشخیص داد. دادگاه بیان کرد: «ما از این تصور که استفاده مداوم از اختیارات بسیار وسیع اعطا شده به چندین مقام توسط قوانین، اگر صریح نباشد ممکن است وجدان مقامات مذکور را بی عاطفه و

1. 1964 S.C.R. (4) 733.

2. Writ Petition No 136 .of 1965 under Article 32 of the Constitution of India.

بی‌ملاحظه کند، عمیقاً احساس آشفتگی می‌کنیم»<sup>۱</sup>.

مشاهده می‌گردد معیار سونیت یا انگیزه غیرصادقانه به راحتی قابل تشخیص نبوده و نظارت بر حسن نیت افراد همواره باید دارای معیارهایی باشد. ازینرو بررسی شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر هر پرونده و تشخیص قضایی حائز اهمیت است. در این راستا در پرونده ایالت پنجاب در پرونده Oth- & Khanna .K.V v Punjab of State، ادیوان عالی بیان نمود که نیت سوء یا نگرش مغرضانه را نمی‌توان به عنوان یک امر مشخص و از پیش معلوم در نظر گرفت، بلکه این به حقایق و شرایط هر پرونده بستگی دارد و باید شواهد قطعی در مورد تبعیض و انحراف وجود داشته باشد. این اقدام، منافی اخلاق و وجدان نیست مگر اینکه با برخی عوامل دیگر که انگیزه یا نیت بدی را از طرف انجام دهنده عمل نمایش می‌دهد همراه باشد. سونیت یک عامل روانشناختی است که اثبات آن دشوار است. با اثبات اعمال خلاف اخلاق بسیار سنگین است و مسئولیت آن بر دوش شخصی است که آن را ادعا می‌کند. این امر به این دلیل است که همیشه این فرض وجود دارد که به نفع مقامات اداری است که قدرت خود را به شیوه صادقانه و با حسن نیت اعمال کند. دادگاه‌های هند سطح و آستانه اثباتی بالایی را تعیین کرده‌اند. اگر ادله روشنی نباشد دادگاه‌ها سونیت را لحاظ نمی‌نمایند. در پرونده State v Royappa .P.E، دادگاه عالی، مشکلات اساسی در اثبات اعمال با سونیت را آشکار کرد. عوامل مهم در اثبات این امر شامل: (أ) شواهد مستقیم مانند اسناد، نوارهای ضبط شده، و... (ب) سیر وقایع. (ج) بیان عمومی مقام اداری است.<sup>۲</sup> بنابراین اجرای صلاحیت‌های اختیاری به خواست قانونگذار در نظام حقوقی هند به معنای اجرای غیرعادی و خلاف رویه نیست در این رویکرد سوال اصلی اینست که آیا تصمیم اخذ شده منطبق با تفسیر

1. Ibid

2. A. No. 6963 of 2000 (arising out of S.L.P (c) No. 6173 of 1999) and (C.A. No. 6964 of 2000) (arising out of S.L.P. (c) No. 6237 of 1999).

3. 1974 S.C.R. (2), 348.

صحيح از قانون است يا خير؟ پس مقامات ادارى هنگام اجراى صلاحيت هاى اختيارى بايد تفاسير خويش را مبتنى بر اصل حسن نيت قرار دهند. به عبارتى ديگر تفسير هاى مبتنى بر صلاحديد بايد با اصل حسن نيت هماهنگى داشته باشند به گونه اى كه نه تنها با قوانين و قواعد صريح مغايرت نداشته باشد بلكه از مطابقت با اهداف قانونگذار برخوردار باشد

از مبانى فقهى و اصولى به عنوان سنت نظام حقوقى ايران، براى حسن نيت مى توان به قاعده احسان اشاره كرد كه در حقوق خصوصى شناسايى شده و در نظام حقوق عمومى ايران هم قانون اساسى، نظارت بر حسن اجراى قوانين در اصول ۱۷۴ و ۱۶۱، ۱۵۶ را مورد شناسايى قرار داده است. البته مطابق اصول به نظر ميرسد نظارت غير قضايى بر عهده سازمان بازرسى كشور و در دستگاه هاى قضايى بر عهده ديوانعالى كشور است. حسن اجراى قوانين را بايد عبارتى عام تر از موارد تخلف از اجراى قوانين معنا كرد و به نظر ميرسد حسن نيت مقامات و كارمندان ادارى منظور باشد و با تفسيرى موسع شامل ارزايابى حسن نيت نيز مى شود. حسن نيت در اين معنا اگر ناظر به صحت عملکرد ديگران نسبت به خود باشد نظريه ظاهر در حقوق را ايجاد مى كند كه به موجب آن اقدام كننده بر اساس ظاهر متعارف و قابل اعتماد، شايسته حمايت حقوق است اين گونه از حسن نيت اشخاص ثالث حمايت مى شود و اعمال حقوقى فاقد شرايط كه ظاهرابه طور قانونى منعقد شده اند معتبر تلقى مى گردند. براى مثال در رآى شعبه پانزدهم ديوان عدالت ادارى قاضى شاكى را داراى حسن نيت دانسته است. در اين قضيه از اعتقاد صادقانه و حسن فاعلى شاكى حمايت شده است (ولايى، جلالى: ۱۴۰۲: ۲۸۰). ناگفته نيست در مواردى چون صلاحيت اختيارى مقامات يا كارمندان ادارى و مسئوليت مدنى دولت، وجود حسن نيت به معنای رفتار صادقانه و منصفانه يا اشتباه قابل حمايت ميتواند نقش مهمى، در توجيه اقدامات ايفاكنند و نشان دهد كه سوء استفاده از اختيارى صورت نگرفته است. براى مثال ديوان عدالت ادارى در يك از اراى خويش بيان داشت مطالبه

خسارت ناشی از صدور رای غیرقانونی زمانی وجاهت دارد که هیئت حل اختلاف کار مرتکب تقصیر عمدی همراه با سونیت شده باشد و این مورد در مراجع قانونی نیز به اثبات برسد.<sup>۱</sup> همچنین در ماده ۲۱ آیین نامه اجرایی قانون رسیدگی به تخلفات اداری ایران نیز به سوء نیت کارمند اداره و رعایت تناسب مجازات تخلف انتسابی اشاره کرده که در آرای دیوان عدالت اداری هم به آن استناد شده است که بیانگر اینست اقدام با سونیت با سوء نیت از مصادیق بارز سوء استفاده از اختیار محسوب می شود.<sup>۲</sup> به نظر می رسد در نظام حقوقی ایران از جمله حقوق عمومی این کشور، از اعتمادی که هر تابع حقوق بر اثر فعل یا ترک فعل یا اظهار و رفتار خود نزد دیگران به وجود می آورد پشتیبانی و از کسی که با حسن نیت به ظاهر قانونی رفتار دیگری اعتماد کرده است حمایت می کند. هرچند برخی از مواد قانون مدیریت خدمات کشوری در راستای ورود مفاهیم اخلاقی به حقوق اداری قابل ارزیابی هستند، ولی نبود قانون آیین دادرسی اداری در ایران و کم توجهی دیوان عدالت اداری به این مفهوم، مانع توجه کافی در زمینه حسن نیت شده و محدودیت هایی را در برابر این مفهوم ایجاد کرده است.

### ۲-۳- هدف نامناسب<sup>۳</sup>

هر یک از مقامات عمومی لازم است تا در اتخاذ تصمیم خود اهدافی را مدنظر قرار دهند که با اهداف قانون همخوانی داشته و با غایات آن همسو باشد. چنانچه هدف مقام عمومی از اتخاذ تصمیم، منافع شخصی باشد، این امر مصداق سو استفاده از اختیارات محسوب می شود. اما در مواردی که این هدف در جهت منفعت عمومی در تصمیم لحاظ شده ولی با هدف قانون از اعطای این صلاحیت مغایرت داشته باشد موارد نقص اصل

۱. دادنامه شماره ۱۷۲۰۰۱۸۰۹۰۹۹۷۰۹۲۰. به تاریخ ۱۳۹۲/۰۱/۲۸ شعبه هجدهم دیوان عدالت اداری  
 ۲. برای نمونه دادنامه های شماره ۲۹۹۰۲۱۰۹۰۹۹۷۰۹۱۰ به تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۲۱ شعبه ۲۱ دیوان عدالت اداری  
 ۳. دادنامه شماره ۸۷۱۰۰۵۶۰۹۰۹۹۷۰۹۳۰ مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۲ شعبه ششم دیوان عدالت اداری؛

3. Improper Purpose

هدف شایسته مطرح می شود. در این گونه موارد اقدام یا تصمیم اداری به دلیل اتخاذ هدف نادرست، با فحوی حکم قانون مغایر می شود و قابل لغو است.

اعطای صلاحیت های اختیاری گسترده، می تواند منجر به استفاده از این اختیارات و صلاحیت ها برای اهداف نادرست شود (Anand, ۲۰۱۸: ۸). "هدف نادرست" گسترده تر از اعمال با سونیت است. اعمال اخیر، نشان دهنده سوء نیت یا کینه شخصی است؛ هدف نادرست ممکن است فاقد چنین اصلی باشد. عملکرد مقام اداری ممکن است توأم با منفعت عمومی باشد اما می تواند تفاوت از آن هدفی که در قانون برای آن عمل در نظر گرفته شده، اعمال شود (Markose, ۱۹۵۶: ۹۲) در موارد مذکور این مهم است که هدف مندرج در قانون مبنای اعطای اختیار به مقام مربوطه چه بوده است. در واقع هدفی که صلاحیت برای آن اعمال می شود موضوعی از واقعیت است.

دادگاه در دو پرونده<sup>۱</sup> *Shields v Shearer* و *District Urban Abergale v Pilling* Council<sup>۲</sup> بیان کرد که "این یک قاعده است که اگر صلاحیت اختیاری برای یک هدف غیرمجاز اعمال شده باشد، این که آیا منشأ آن حسن نیت است یا سوء نیت، به طور کلی بی اهمیت است"<sup>۳</sup>. همچنین در پرونده ای دیگر مدیر مخابرات تلفن شاکی را به دلیل استفاده غیرقانونی قطع نمود. بر اساس مقررات اختیار قطع تلفن تنها در موارد اضطراری و توسط مهندس بخش قطع می شود. دادگاه بیان داشت که قطع تلفن، سو استفاده از قدرت محسوب می شود چرا که اختیار مقرر قانونی برای هدفی غیر از آنچه مورد نظر قانون بوده بکار رفته است. (*India of Union .vs Chand Hukum*, ۱۹۷۶).

در نظارت بر مبنای معیار اهداف نامناسب، دادگاه ها ارزش های غیرحقوقی را نیز مدنظر قرار خواهد داد به گونه ای که به شدت از ارزیابی حس تشخیص و درستی تصمیم دادگاه فراتر رفته و به مداخله در امر سیاستگذاری متهم می گردند (نجابت خواه، ۱۳۸۸:

1. (1914) A.C. 808.  
2. (1950) 1 K.B. 636  
3. (1914) A.C. 808.

۹۸) بررسی آرای قضایی نشان از آن دارد که قوه قضاییه در هند به هر دو مفهوم ایجابی و سلبی اشاره دارد (Sobti & Saini, ۲۰۲۱: ۱۹). یعنی هم به همخوانی هدف مدنظر مقام ذی صلاح از اتخاذ تصمیم با آنچه مفروض قانون است، توجه داشته و هم به عدم لحاظ اهدافی در تصمیم که در قانون صراحتاً یا تلویحاً به بدان تجویز نشده است. همچنین که در برخی از مواردی که قانونگذار خود در قانون موضوعه، هدف یا اهداف مورد نظر را بیان میدارد، قاضی این اهداف را از دل قانون بیرون می‌کشد. اما در خصوص مواردی که اهداف قانونگذاری به روشنی بیان نشده است این وظیفه دادگاه هاست که چنین هدفی را با ملاحظه و تفسیر کلی قانون دریافته و تعیین کنند. به عبارت دیگر در زمانی که مبانی و دلایل عمل اداری در قانون مشخصاً وجود ندارد و قانون کلی و در فضایی مبهم می‌باشد معیار اهداف نامناسب برای کنترل قضایی مناسب خواهد بود.

در ایران اما شرط وقوع سوءاستفاده از اختیار تحقق هدف نیست و همین که مقام اداری بتواند منجر به اضرار به افراد و اشخاص خصوصی یا تجاوز به منافع عمومی شود، اعم از اینکه قصد و انگیزه اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی وجود داشته یا نداشته باشد اعم از اینکه اضراری به اشخاص یا منافع عمومی وارد شده یا نشده باشند سوءاستفاده از اختیار صورت پذیرفته است. برای مثال میتوان به دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۳۲۰۳۷۰۵ شعبه ۳۳ دیوان عدالت اداری مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۰ اشاره نمود: در این پرونده شهرداری از صدور پروانه ساختمانی به استناد اینکه ملک به صورت غیر قانونی تفکیک شده است، امتناع ورزیده است. قاضی شعبه ۳۲ با استناد به ماده ۱۰۱ اصلاحی قانون شهرداری صدور پروانه ساختمانی را از وظایف مقام اداری می‌داند و امر تفکیک را موضوعی جدا از صدور پروانه اعلام می‌دارد، به استناد بند ۲۴ ماده ۵۵ قانون شهرداری و ماده واحده قانون تعیین تکلیف اراضی واقع در طرح شهرداری دارد.» حکم به ورود شکایت و صدور پروانه ساختمانی صادر اعلام می‌دارد.» در این پرونده قاضی دیوان عدالت بیان می‌دارد که صدور پروانه ساختمانی از وظایف شهرداری‌ها می‌باشد

و تفکیک غیر قانونی ملک مانع از صدور پروانه نیست و امر جداگانه محسوب می‌گردد. البته شهرداری اختیاری عدم صدور پروانه در موارد وجود منع قانونی را دارد. در واقع عمل شهرداری در امتناع از صدور پروانه ساختمانی بدون وجود مجوز قانونی مغایر با قانون شهرداری ها و قانون تعیین تکلیف اراضی می باشد. هدف قانونگذار از اعطای اختیارات به مقام اداری در صدور پروانه، تحقق منفعت عمومی می باشد اما مقام اداری با امتناع از صدور پروانه در واقع هدفی مغایر با هدف قانونگذار را در جهت تضییع حقوق افراد را دنبال می نماید. مقام اداری از اختیارات و صلاحیت خویش در جهت صدور و یا عدم صدور پروانه ( در صورت وجود موانع قانونی) بدون مجوز قانونی سوءاستفاده نموده و اقدام به امتناع از اصدار پروانه نموده است. (نیکونهاد، کلوندی، ۱۴۰۰: ۱۰۱). همچنین در پرونده ای دیگر دیوان تصریح می کند که صدور یا عدم صدور پایان کار از اختیارات شهرداری می باشد اما ازین اختیارات در جهتی مغایر هدف قانونگذار بهره برده است. بنابراین اقدام مقام اداری مغایر با فحوی قانون و از مصادیق سوءاستفاده از اختیارات و مقام و موقعیت می باشد.<sup>۱</sup> همچنین هیات عمومی این نهاد در رایبی بیان داشته است که " شواری اسلامی نمی تواند به وضع عوارض با هدفی غیر از هدف قانونگذار اعمال نماید"<sup>۲</sup>

### ۳-۳- در نظر گرفتن عوامل غیر مرتبط<sup>۳</sup>

واضح است که صلاحیت اختیاری به یک مقام اجازه می دهد تا بین چند اقدام جایگزین یکی را انتخاب کند. با این حال، این اختیار تنها باید در زمینه های مربوطه مورد استفاده قرار گیرد. همه صلاحیت های اختیاری باید مطابق با ملاحظات تعیین شده در قانون باشد که در مرحله اول موجد اختیار است. اگر مقام مربوطه به شرایط، حوادث یا

۱. نک: دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۳۲۰۳۱۸۹ شعبه ۵ دیوان عدالت اداری مورخ ۱۳۹۱/۰۷/۳۰.

۲. دادنامه شماره ۴۴۹ مورخ ۱۳۸۴/۹/۶ شماره ۸۳/۳۲۴

3. Irrelevant Considerations:

امور کاملاً غیرمرتبط یا غیراساسی توجه کند یا آنها را در نظر بگیرد، اقدامات اداری خارج از صلاحیت می باشد. تعیین ملاحظات مرتبط یا غیرمرتبط، موضوعیست که از شرایط کلی قانون استنباط می گردد. در صورتی که هیچ ملاحظه ای در قانون مشخص نشده باشد دادگاه میتواند هدف و مقصود قانون را به عنوان ملاحظات در زمینه اعطای صلاحیت های اعطا شده مورد استنتاج قرار دهد. (Rao, ۱۹۶۱: ۶۷) این ملاحظات، اگر کامل نباشند، می توانند صرفاً به وسیله دادگاه ها معیارسازی گردند.

این امر به وضوح در پرونده v another and Limited Chemicals Barium Company The others and Board Law بیان شد<sup>۱</sup>. طبق بخش ۲۳۶ قانون شرکت های ۱۹۵۶، اگر شرکتی با هدف کلاهبرداری از طلبکاران اداره شود یا اشخاص درگیر در مدیریت، متهم به کلاهبرداری باشند یا اطلاعات کاملی در مورد شرکت داده نشده باشد، مجمع حقوقی شرکت ها می تواند دستور تحقیق در امور شرکت را صادر کند. دستور مجمع جهت تحقیق و تعقیب در امور شرکت به چالش کشیده شد و دادگاه با بیان این که تحقیق بدلیل تاخیر و طراحی نادرست پروژه ها ضرر به شرکت و افت ارزش سهام و غیره صورت گرفت، بی ربط به مقررات قانونی، غیرمرتبط و خارج از هدف مندرج در قانون بودند، و آن را لغو کرد. دیوان عالی بیان داشت: در وهله اول، اختیار اعطا شده توسط اساسنامه به هر مرجع و مقامی، توسط آن مقام اعمال می شود و نه شخص دیگری. اما با هرگونه نشانه مغایر و متفاوت در محدوده زبان یا موضوع اساسنامه، ممکن است عوامل مرتبط را منتفی سازد. رای دادگاه موید این است که از اوضاع و احوال متناسب با اهداف و ملاحظات، ملاحظات مدنظر قانونگذار را تشخیص میدهد. پس از بررسی و تشخیص دادگاه در صورتی که ملاحظات غیرمرتبط، تاثیری در نتیجه تصمیم نداشته باشد آن تصمیم را لغو نمی کند. اما اگر تصمیم تحت الشعاع آن ملاحظه باشد به لغو تصمیم اقدام می نماید. (Aldert ۲۰۰۲: ۳۷۴-۳۷۵). ازینرو

1. A.I.R 1967 .S.C.195 .

ملاحظات‌هایی که به طور ضمنی از قانون بر می آید ازین منظرکه جز ملاحظات مرتبط یا غیر مرتبط است، بیه تشخیص دادگاه وابسته است. موضع مذکور در پرونده s'Rota Other and Agarwal .D.S v Limited Industries. بیان شد: «اعمال واقعی اختیار باید صورت گیرد. این اقتدار باید صادقانه اعمال شود نه برای اهداف فاسد یا مخفی. مرجع اداری باید نظراً لازم را صادقانه و پس از به کار بردن مفروضات ذهنی خود در مورد مطالب مرتبط، اعلام نماید. مقام مربوطه باید منطقی عمل کند نه با در نظرگرفتن عوامل غیرمرتبط<sup>۱</sup>. در ایران نیز علاوه بر مواردی که قانونگذار به صراحت عوامل موثر و مرتبط در تصمیم گیری را مشخص می نماید و یا اینکه مقام اداری بنا بر صلاحدید خود می تواند در اتخاذ تصمیم این ملاحظات را در نظر بگیرد که به صورت ضمنی بر اساس قلمرو، هدف و موضوع قانون استنباط می گردند. رای‌ی از دیوان عدالت اداری در خصوص احتساب سنوات تحصیلی افرادی که در مدرسه عالی تربیتی طلاب تحصیل کرده و جذب و آموزش و پرورش شده اند مقام اجرایی، شرط سپردن تعهد ثبتي را نیز اضافه کرده است و احتساب سنوات را منوط به سپردن تعهد ثبتي نموده است. دیوان به موجب رای شماره ۱۶۳ مورخ ۱۳۸۶/۳/۱۳ به دلیل افزودن قید دیگران را باطل کرد. همچنین در رای دیگر بیان شده است: "مقید نمودن پرداخت کمک مزبور به کارکنان دولت به قید و شرط رضایت از خدمات آنان مغایر صریح هدف و حکم صریح مقنن است و بدین جهت عبارت "به شرط رضایت از خدمات آنان از متن مصوبه فوق الذکر ابطال و حذف می شود." همچنین در پرونده ای دیگر، دیوان مقرر کرد: "تعیین کارمزد بر اساس عواملی از قبیل میزان سرمایه مورد نظر مقنن نیست"<sup>۲</sup>

1. A.I.R 1969 .S.C.707 .

۲. رأی شماره ۲۲۰ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری مورخ ۱۳۷۹/۷/۱۰ در رابطه با ابطال تصویب نامه شماره ۱۵۰۵۴۴/ت/۵۳۱ مورخ ۱۳۶۹/۱۲/۲۸ هیئت وزیران

۴-۳- ملاحظات مختلط<sup>۱</sup>

این امر زمانی واقع می شود که دستور مقام اداری با قدرت اعمال اختیار به طور کامل بر پایه ملاحظات غیرمرتبط نباشد. این حکم ممکن است تا حدی براساس ملاحظات مرتبط و بخشی نیز بر اساس ملاحظات نامرتبط صورت گیرد. نظام های قضایی در چنین مواردی رویه یکنواختی ندارد. برای مثال، دادگاه در موارد بازداشت های پیشگیرانه، دیدگاه سختگیرانه ای دارد و چنین احکامی را، اگر براساس هرگونه ملاحظات غیرمرتبط همراه با ملاحظات مرتبط باشد، فاقد اعتبار می داند. به طور کلی دشوار است بگوییم که دلایل بد در ذهن مقامات اداری تا چه حد عمل کرده است و آیا این حکم فقط براساس ملاحظات مرتبط می تواند به تصویب برسد؟ به عبارت دیگر دادگاه تعیین خواهد کرد که آیا اگر ملاحظات مرتبط با موضوع ترک میشد تصمیم نهایی تحت تاثیر قرار می گرفت یا خیر؟<sup>۲</sup> در پرونده *Others and P.U of State The v Saxena Lal Shibban* ، دادخواست دهنده به دو دلیل بازداشت شد، اول اینکه فعالیت های او برای تامین مایحتاج اساسی جامعه، زیان بخش بوده است و دوم اینکه فعالیت های او برای حفظ نظم عمومی مضر بود.<sup>۳</sup> دولت بازداشت وی را به دلیل اول لغو کرد؛ زیرا این امر یا قابل توجه نبود یا وجود نداشت. اما به دلیل دوم آن را ادامه داد. دادگاه بیان کرد، برای اینکه بگوییم دلیل دیگری، که هنوز هم باقی مانده است، برای حفظ نظم کافی است، باید یک متن قضایی عینی را با تصمیم مقام اجرایی که مخالف سیاست های قانونگذاری است، جایگزین کرد. در چنین مواردی این گونه خواهد بود که اگر یکی از این دو دلیل برای هدف عمل، بی ربط یا کاملاً همراه کننده باشد، این باعث لغو دستور بازداشت به طور کلی می شود. بنابراین در برخی از موارد مرجع عمومی می بایست چندین موضوع را به عنوان عوامل موثر و مرتبط در تصمیم گیری مدنظر قرار دهد، لذا توجه به یک عامل و صرف

1. Mixed Consideration

2. Rampur Distillery vs .Company Law Board(1970)

3. A.I.R 1954 .S.C.179 .

نظر نمودن از دیگر عوامل می تواند قانونمندی تصمیم مرجع عمومی را در معرض تهدید قرار دهد. در مواردی هم ملاحظات گوناگونی در تصمیم گیری مرجع عمومی باید دخالت داده شوند که البته مرجع عمومی می تواند به برخی از آنها بنا به صلاحدید خود بیشتر اهمیت داده و آن ها در تصمیم گیری خود بیشتر مدنظر قرار دهد. مواردی که قانونگذار در عبارت قانون تاکید می نماید که ملاحظاتی از جمله یک موضوع خاص در تصمیم گیری مورد توجه قرار گیرد (نجابت خواه، ۱۳۸۸: ۱۰۴) همچنین در رای فوق مشاهده گردید که موضوع تصمیم نیز در در نظر گرفتن ملاحظاتی به عنوان ملاحظات مرتبط یا غیر مرتبط دخیل است و جایی که با حقوق اولیه از جمله آزادی انسان در تعارض است در نظر گرفتن عوامل غیرمرتبط باید با سختگیری بیشتری همراه بوده و نظارت قضایی بر این مبنا صورت خواهد گرفت. این تحلیل در رای دیگری نیز دیده شد. در پرونده *Kashmir and Jammu of State The v Bhatia Das Dwarka*، دیوان عالی کشور با تحلیل موارد مختلفی از این قبیل معتقد است زمانی که قدرت به یک مقام قانونی تعلق می گیرد آزادی را از یک فرد بر اساس اقتناع ذهنی آن، با ارجاع به موارد مشخص شده می تواند سلب کند. چنانچه این اقتناع بر اساس دلایل مختلفی باشد یا با گروهی از دلایل مواجه گردد و برخی از این دلایل، ناموجود باشند یا نامرتبط باشند، اعمال اختیار نادرست است. این امر به این دلیل است که موضوع کل بودن جمیع دلایل، برای جلب اقتناع ذهنی باید به درستی بر اساس تمام دلایلی باشد که هدف بر آن استوار باشد. اگر برخی از این دلایل، ناموجود یا نامرتبط باشند، دادگاه نمی تواند رضایت ذهنی مقام مذکور را با ممانعت از این دلایل پیش بینی کند. با این حال، دادگاه باید متقاعد شود که دلایل مبهم یا نامرتبط از جمله مواردی است که اگر در نظر گرفته نشود، ممکن است به طور منطقی بر رضایت ذهنی مقام مربوطه تأثیر داشته باشد.<sup>۱</sup> در روبره دیوان عدالت اداری اعم از شعب و هیئت عمومی به این امر به عنوان مصادیق سواستفاده از اختیار به

1. A.I.R 1957 .S.C.164 .

صراحت مواجه نشده ایم لکن تنها در یک مورد می توان ردپایی این معیار را در رای هیات عمومی دیوان دید. در دادنامه شماره ۴۵۸ هیات عمومی دیوان عدالت اداری شاکی واردکننده مبلمان و مصنوعات چوبی است و مستند به ماده ۱۰ قانون گمرک ارزش کالای وارداتی به عنوان مبنای محاسبه حقوق گمرکی، سود بازرگانی و سه درصد ارزش مالیات شناخته می شود. لذا بخشنامه های صادره از سوی مدیرکل دفتر تعیین ارزش گمرک ایران که به شاخص مذکور بی اعتنا بوده و عناصر و یا معیارهای غیرمرتبط را ملاک ارزیابی قرار داده است از نظر شاکی باید ابطال شود. طرف شکایت با این استناد که به منظور جلوگیری از فاکتور سازی و کم اظهاری براساس بند ۳ ماده ۱۲۱ این نامه احرائی قانون امور گمرک عمل کرده است. دادگاه اعلام کرد طرف شکایت بدون رعایت ترتیبات مقرر در ماده ۱۱ قانون امور گمرکی و در حالی که شاخص های بند ۱ و ۲ پیش روی آن بوده است به بند ۳ توسل کرده است لذا بخشنامه های مورد اعتراض به بند یک ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می گردد.<sup>۱</sup> به نظر می رسد که دلیل اصلی دیوان در ابطال بخشنامه های مذکور چشم پوشی طرف شکایت از کارسازی تمامی معیارها و عناصر مرتبط بوده است. یعنی مامور اداری چنانچه با گروهی از دلایل مواجه میگردد تصمیم باید به درستی براساس تمام دلایلی باشد که هدف بر آن استوار باشد.

### ۵-۳- نادیده گرفتن ملاحظات مرتبط<sup>۲</sup>

مقامات دولتی باید در هرگونه اتخاذ تصمیم و اقدام مقتضی، ملاحظات مرتبط با موضوع تصمیم را در نظر گرفته باشند. اگر یک مقام اداری در اعمال قدرت اختیاری خود، ملاحظات مرتبط را نادیده بگیرد، این عمل، سوءاستفاده از صلاحیت های اختیاری است و این عمل بدون اعتبار خواهد بود. قصور در توجه به ملاحظات مرتبط میتواند

۱. دادنامه شماره ۴۵۸ مورخ ۱۳۸۹/۱/۲۰ کلاس پرونده ۸۸/۷۰۲ نقل از روزنامه رسمی

2. Leaving out Relevant Considerations

به معنای آن باشد که مقام تصمیم‌گیرنده بدون ادله لازم جهت توجیه تصمیم عمل نموده است (هداوند، مشهدی، ۱۳۹۱: ۱۹۴) اگر قانون هرگونه ملاحظاتی را که باید در نظر گرفته شود، به طور صریح یا ضمنی مقرر کند، مرجع اداری باید از همان پیروی کند. با این حال، در چنین مواردی، اثبات این امر کار سختی است و باعث لغو عمل نمی‌شود، مگر اینکه دلایل تفصیلی که از طریق آن، بتوان نتیجه گرفت که مقام و مرجع پس از نادیده گرفتن ملاحظات کلی و اساسی اقدام کرده است بیان شود. در پرونده v. etc Singh Ranjit v. India of Union<sup>۱</sup>، سهمیه تولید یک تولیدکننده مجاز اسلحه از ۳ اسلحه در هر ماه به ۱۰ اسلحه کاهش یافت. این حکم به دلیل این که براساس ملاحظات مربوطه نبود، بلکه بر اساس ملاحظات غیراساسی و نامربوط ارزیابی گردید، مورد اعتراض واقع شد. دیوان عالی کشور معتقد بود که حکم دولت نادرست است زیرا دولت حقایق مربوطه مانند ظرفیت تولید کارخانه، کیفیت اسلحه تولید شده، توانمندی اقتصادی واحد و سیاست اداری مربوط به حفظ قانون و نظم را در نظر نگرفت. همچنین بیان کرد که هرگونه کاهش سهمیه، لزوماً باید براساس دلیل و ملاحظات پیش برود. اگر همه عوامل مربوطه در نظر گرفته نشوند یا ملاحظات نامربوط دارای جایگاهی در تصمیم‌گیری شوند این تصمیم خودسرانه لغو می‌شود.

همچنین دادگاه از اوضاع و احوال متناسب با اهداف و ملاحظات، ملاحظات مدنظر قانونگذار را تشخیص می‌دهد. پس از بررسی و تشخیص، دادگاه در صورتی که ملاحظات مرتبط تأثیری اساسی در تصمیم داشته باشند و مقام عمومی آن ملاحظات را مدنظر قرار ندهند به لغو تصمیم اقدام می‌نمایند. در این راستا در پرونده Shan- .M.K Others And .Ltd (P) .S.V.R.S The v mugam<sup>۲</sup>، یک مقام حمل و نقل محلی، مواجه با درخواست اعطای مجوز حمل برای مسیر خاصی شد. طبق قانون، این مرجع اختیارات

1. A.I.R 1981.S.C.461 .

2. A.I.R 1963.S.C162 .

وسیعی برای اعطای مجوز با تکیه بر منافع عمومی داشت اما، دولت با مقرر کردن یک سیستم نشانه گذاری که بر اساس آن، علامت ها بر اساس واحد پایدار و کارآمد، کارگاه، محل اقامت، تجربه و شرایط خاص، به متقاضیان مختلف اختصاص می یافت، سعی در نظارت بر آنان داشت. در مورد پرونده جاری دفتر شعبه خواهان در این مسیر قرار داشت اما این واقعیت نادیده گرفته شد به این دلیل که، او شعبه های دیگری در جای دیگر داشت. دادگاه اعلام کرد که ملاحظات مربوطه نادیده گرفته شده بود. این یک موقعیت توجیه ناپذیر بود که حتی اگر متقاضی دارای شعبه ای مجهز در مسیر مربوطه بود، از آن چشم پوشی می شود و اگر متقاضی، چند شعبه دیگر، بی ارتباط به آن مسیر داشته باشد، دادگاه آن را در نظر می گیرد. با این وجود اگر مرجع تحت خطای آشکار قانون، ملاحظات مربوطه مذکور را نادیده بگیرد، نه تنها از اختیارات اداری محوله سرپیچی می کند، بلکه مفاد قانون را نیز نقض می کند. سرپیچی از دستورالعمل هایی که ماهیت اداری دارند، ممکن است دلیل اقدام برای طرف متضرر نباشد، اما تخلف از قانون مقرر، قطعاً اینچنین است. بنابراین رویه قضایی نشان از این امر دارد. هنگامی که صلاحیتی به مقام دولتی اعطا می شود، در واقع وی مکلف می شود تا چنین مسئولیتی را به بهترین شیوه انجام دهد و عدم ملاحظه مسائل مرتبط و حیاتی تصمیم به منزله نقض و سهل انگاری درانجا تعهد است. بنابراین همانطور که پیشتر بیان شد قابل مشاهده است که در صورت عدم تعیین صریح ملاحظات مرتبط در قانون، کنترل قضایی تصمیم اداری به لحاظ رعایت اصول تناسب و معقول و منصفانه بودن، اهمیت پیدا می کند. البته ناگفته نیست که عدم توجه به عوامل مرتبط و موثر در اتخاذ تصمیم و توجه به عوامل غیرمرتبط در صورتی زمینه مداخله دادگاه ها جهت کنترل قضایی فراهم می آورد که تصمیم به انجام یک کار ویژه صرفاً اداری مرتبط نشود که تاثیری بر حقوق اشخاص ندارد و آن تصمیم باید تحت الشعاع آن عوامل مرتبط قرار گرفته باشد که بررسی پرونده های مذکور بیانگر این نکته می باشد. در ایران اما در پرونده ای در دیوان عدالت اداری شهرداری دستور قلع بنا را به

دلیل سایه اندازی و مزاحمت برای همسایگان صادر نموده است. «بنابر تبصره یک ماده ۱۰۰ قانون شهرداری ها ضرورت قلع بنا و تاسیسات ساختمانی باید در آرای کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری ها ذکر شود. این درحالیست که هیچ دلیل و علت قانونی دال بر ضرورت قلع در پلاک ثبتی متنازع فیه ذکر نگردیده، طبق نظر کارشناس رسمی دادگستری و نظریه ناظر و محاسب ساختمان که از ناحیه شاکیان ارائه شده است اجرای تخریب در بناهای اضافی در سازه که بتن ارمه می باشد موجب ترک های سازه ای و غیرسازه ای در ساختمان و احتمالا ساختمان های مجاور می شود. هیچ دفاعی از جانب طرف شکایت ارائه نشده همچنین هیچ شکایتی از همسایگان مبنی بر مزاحمت ارائه نگردیده است.» بنابراین شعبه مذکور حکم به ورود شکایت صادر می کند. در این دادنامه نیز شهرداری صدور حکم تخریب اضافه ساخت بنا به نظر کارشناس رسمی دادگستری و همچنین نظر ناظر و محاسب ساختمان توجه ننموده است و همچنین به این امر نیز که تخریب بنا منجر به وارد آمدن خسارت به املاک مجاور می شود به عنوان عوامل مرتبط با پرونده توجه نشده است. بنابراین مقام اداری اختیار قلع بنا در صورت وجود ادله قانونی را دارد اما در این پرونده از اختیار خویش در جهت تخریب ملک بدون وجود جهات قانونی و همچنین اضرار به شاکی سو استفاده نموده است. یکی از فاکتورهای شکل دهنده به سوء استفاده از اختیارات عدم توجه به ملاحظات مرتبط است. مقام اداری ملزم به توجه به عوامل و ملاحظات مرتبط با تصمیم می باشد. قصور در توجه به عوامل مرتبط می تواند به این معنا باشد که مقام اداری بدون ادله کافی اقدام به اتخاذ تصمیم نموده است.

### ۳-۶- غیرعقلایی بودن

یکی از اصول نظارت قضایی، اصل عقلانی بودن تصمیمات اداری است که می تواند برای اعتراض و طرح دعوا علیه استفاده مقام اداری از صلاحیت های اختیاری یا استبط خاصی از قانون به کار رود. (رحمت اللهی، شیرزاد، ۱۳۹۴: ۳۳۱) اصل

معقول بودن، مستلزم اتخاذ تصمیم های منطقی و توجیه پذیر، متعارف، مستدل و مبتنی بر حقایق، یافته ها، مدارک و دلایل است (هداوند، ۱۳۸۷: ۲۹). غیر معقولانه بودن مفهومیست گسترده، که ممکن است جنبه های مختلفی را دربر داشته باشد. به عنوان مثال، مقامی که بر اساس ملاحظات غیرمرتبط یا ملاحظات غیراساسی و یا با سونیت عمل کرده باشد را شامل می شود. بنابراین با نظر در چنین شیوه ای، غیرمنطقی بودن، شکل جداگانه ای از سوءاستفاده از صلاحیت های اختیاری را بیان نمیدارد. این اصطلاح ممکن است مواردی را شامل شود که در آن، مرجع اداری به روش اشتباهی عمل کرده باشد، اگرچه ممکن است طبق قانون باشد یا در جایی ممکن است با تکیه بر دلایل غلط، طبق قانون عمل نکرده باشد (Marius, ۲۰۱۰: ۹۸). از طرف دیگر، غیر معقول بودن به این معنا نیز هست که حتی اگر مقامی مطابق قانون عمل کرده باشد به این معنا که بر اساس دلایل غیرمرتبط عمل نکرده باشد، یا برای هدفی نامناسب، از اختیار استفاده نکرده باشد، اما در مقایسه با سایر عوامل، به برخی از عوامل بیش از آنچه شایسته آنها بوده است، اهمیت داده است در برگیرد. در این زمینه، مداخله، نیاز به اهمیت نسبی عوامل مختلف و سپس رعایت تناسب دارد که به مثابه جایگزینی اختیارتصمیم گیری قوه قضاییه به جای قوه مجریه است. معمولاً چنین اختیارات گسترده ای بوسیله دادگاهها برای مداخله در اختیارات اداری اعمال نمی شوند. در مواردی که قانون اساسی هند یا قوانین عادی چنین اقتضا می کند، معقول بودن می تواند زمینه ای برای مداخله دادگاهها باشد (Antharvedi, ۲۰۰۸: ۱۱)

ماده ۱۴ قانون اساسی هند محملیست که در آن برابری در برابر قانون تضمین شده است اما دادگاهها اجازه داده اند که طبقه بندی معقولانه ای در زمینه اعمال حقوق انجام دهند. به همین ترتیب مطابق ماده ۱۹ قانون اساسی تنها محدودیت های معقول و منطقی را میتوان بر حقوق افراد بار نمود. در پرونده -Rohtas Indus

دیوان عالی کشور اقدام اداری انجام شده توسط دولت را تحت ماده ۲۳۷ قانون شرکت ها در سال ۱۹۵۶ باطل نمود، به این دلیل که هیچ کس به طور منطقی به چنین نتیجه پیری نمی رسید. دادگاه ها یک تصمیم را غیرمنطقی نمی دانند، مگر اینکه این عمل ظالمانه یا کاملاً پوچ و بی معنی باشد. به همین ترتیب در *Meghalaya of State v. Pvt. Company Trading. L.K.* Others and ، دادگاه بیان داشت که برای جلب نظر قضایی اقدامات اداری، متقاضی باید نشان دهد که عمل اداری، دستخوش تغییر خودسرانه، غیر منطقی و ناعادلانه می شود.<sup>۱</sup>

بنا بر آنچه که بیان شد مفهوم غیرعقلایی بودن در هند مفهومیست فراگیر و میتواند حاوی طیف گسترده ای از خطاهای اداری و همه معیارهای پیش گفته برای ابطال یک تصمیم اداری باشد. و اینگونه است زمانی که قانون هیچ اشاره ای به رفتار عاقلانه اداره نمی کند دادگاه تمایلی نسبت به اعمال ضمنی این شرط بر مقررات قانونی ندارد. همچنین این اصل، با اثبات غیرعقلانی بودن تصمیمی دولتی را بر دوش اشخاص متضرر از تصمیم قرار می دهد. از سوی دیگر بررسی رویه قضایی نشاندهنده تفسیر مفهوم اصل غیر عقلانی بودن تصمیمات اداری در مفهوم مضیق ان است و نه تفسیر موسع که مبتنی بر اصل تناسب میتواند باشد. مفهوم مضیق را لرد گرین در حقوق انگلستان در قضیه ونزبری با این عبارت که « تصمیم اتخاذ شده به قدری پوچ و بیهوده باشد که هیچ فرد عاقلی نتواند حتی خیال کند که صلاحیت اتخاذ چنین تصمیمی به مقام اداری اعطا شده است» بیان نمود. به هر روی در هند دادگاه ها مراجع اداری را موظف خواهند کرد که از اختیاراتشان معقولانه استفاده نمایند. برای مثال در یک رای دیوان عالی اظهار داشت هنگامی که گفته می شود امری در صلاحیت یک مقام است، آن چیز باید مطابق قواعد عقل و انصاف انجام شود نه

1. A.I.R 1996.Gau17 .

عقیده شخصی (Kumari & Kumar, ۲۰۱۷: ۱۴۵).

ماده ۱۹ (۲) تا (۶)، می‌تواند محدودیت‌های معقولی را در مورد حقوق ذکر شده در این ماده تحمیل کند. دادگاه، معیارهای معقول بودن این محدودیت‌ها را معین می‌کند.<sup>۱</sup> چگونگی عملکرد ماده ۱۹ به عنوان تنظیم‌کننده اختیارات اداری کنترل نشده را از طریق برخی پرونده‌های مهم، -جایی که قوانین اعطاکننده اختیارات خودسرانه، ناقض حقوق اساسی تضمین شده به وسیله ماده ۱۹ قانون اساسی است-، می‌توان ارزیابی کرد. در پرونده Mag- District v Sheshadri .M.R. Tangor, istrate، مصوبه ای که یک غرفه دار فیلم را ملزم می‌کرد تا در هر اجرا، فیلم تایید شده را با طول و مدت زمانی که دولت تعیین می‌کرد، نمایش دهد، غیر معقول تلقی شد زیرا مدت و طول فیلم در مصوبه مشخص نشده بود و به دولت صلاحیت اختیاری غیرمنظمی واگذار شده بود.<sup>۲</sup>

مطالعه و تحلیل برخی قضایای مطروحه در دیوان عدالت اداری ایران نشان می‌دهد که گرچه تاکنون اصل غیر عقلایی بودن صراحتاً مبنای استدلال قضات و دادرسان این مرجع نبوده است، اما با عنایت به دلالت تلویحی برخی از استدلالات انجام شده در قضایای مربوطه میتوان ردپای مفهوم عام اصل غیر عقلایی بودن را در آرای هیئت عمومی دیوان عدالت اداری مشاهده نمود به ویژه تصمیماتی که منجر به نقض شدید و غیرضروری حقها یا منافع افراد میشوند، غیر عقلایی هستند. تصمیماتی که در این دسته قرار می‌گیرند عمدتاً یا تحمیل کننده سختی و تکلیف نامتعارف به افراد هستند یا ناقض و تحدیدکننده حق ها و منافع افراد و یا تصمیمات غیرقابل اجرا می باشند. یک نمونه از تصمیمات غیرقابل اجرا در ایران، الزام دارندگان پروانه تأسیس دفترهای خدمات مسافرتی،

1. Chintaman Rao v State of Madhya Pradesh, AIR 1951 S.C. 118.

2. A.I.R 1952.Mad.120 .

سیاحتی، جهانگردی و زیارتی به کسب مدرک کارشناسی در مدت شش ماه به موجب تصویب نامه هیئت وزیران است. ۱ شرط کسب مدرک کارشناسی در مدت کوتاه شش ماه از مواردی است که اجرای آن غیرممکن است و تحمیل آن بر افراد موجب از دست دادن پروانه کسب و محرومیت های مالی میشود (زارعی و خدیجه شجاعیان، ۱۳۹۳: ۱۲۱)

۱. شماره ۵۶۱ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری مورخ ۱۳۸۳/۱۱/۱۱ در خصوص ابطال قسمت ششم از بند پ ماده ۴ فصل دوم و مواد ۲۲ و ۲۶ تصویب نامه شماره ۱۴۴۰۴/ت/۳۲۰۳ مورخ ۱۳۸۰/۴/۵ هیئت وزیران

### برآمد

اعمال صلاحیت اختیاری نباید به روشی باشد که سو استفاده از اختیار را تداعی نماید بلکه باید به شیوه منضبط و مسئولانه صورت گیرد. این در واقع نشان دهنده سازگاری بین این ایده است افرادی که قدرت دارند باید با دست باز اعتماد کرد و آنها را با قواعد محدود پیوند نزنند. اختیار در امور عمومی به ندرت کامل و مطلق است و معمولاً واجد شرایط است. واگذاری اختیار به خودی خود غیر منطقی نخواهد بود. بی منطقی را باید در اعمال آن جستجو کرد و نه در وجود آن. حتی اگر هیچ خط مشیی برای اعمال قدرت های اختیاری وضع نشده باشد، قوانینی که قدرت را اعطا می کنند لغو نمی شوند، بلکه فقط اعمال واقعی قدرت تحت آن، که غیر منطقی یا تبعیض آمیز است لغو خواهد شد. رهیافت موضوع در هند بیانگر اینست که رویه قضایی این کشور، گرایش به حمایت از اعطای اختیار دارد اما نه در موارد غیرمنطقی. دادگاه ها در وهله اول با نحوه اعمال اختیار مرتبط می شوند نه با موضوع آن، مگر اینکه شامل موضوعات غیر منطقی باشند. سوءنیت یا نگرش مغرضانه، هدف نامناسب، عوامل غیرمرتبط، ملاحظه مختلط، نادیده گرفتن ملاحظات مرتبط، نامعقول بودن معیارهایی هستند که دادگاه ها در مواجه با صلاحیت های اختیاری و برای بررسی و نظارت بر سو استفاده از این اختیارات ان را اعمال می کنند. بررسی پرونده های قضایی نشان از آن دارد که علیرغم وجود معیارهای متعدد و نگاه ریزبین قضا، اصل بر اختیار مقام اداری است و دادگاه ها با اثبات وجود معیارها بر عهده خواهان قرار داده اند، دادگاه ها قواعد نانوشته ای را می آفرینند که مکمل قوانین مکتوب اعطای اختیار است و اصولی را تعریف می کنند که مرزهای اختیار را در محدوده حقوق و آزادی های بنیادین افراد و در کنار اصل کارآمدی اداره مشخص و تفسیر می نمایند. در ایران بررسی قوانین و رویه قضایی بیانگر اینست که در حال حاضر سو استفاده از اختیارات به عنوان یکی از جهات نظارت قضایی در متن قوانین شناسایی شده است ولی عملاً دیوان عدالت اداری در رسیدگی به دعاوی به برخی از مصادیق و

معیارهای این مفهوم از جمله اهداف نامناسب و عدم در نظر گرفتن ملاحظات مرتبط و یا توجه به ملاحظات غیرمرتبط و به صورت مضیق مفهوم سونیت و غیرعقلایی نبودن را مورد شناسایی قرار داده است لکن همچنان به دلیل عواملی چون عدم آشنایی کامل قضاات به این مصادیق، نظارت قضایی بدین جهت به صورت گسترده و با اشاره مستقیم به این معیارها صورت نمیگیرد.

## فهرست منابع

## الف) فارسی

## کتاب

- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۹۱). *حقوق اداری تطبیقی، حاکمیت قانون و دادرسی اداری تطبیقی در چند کشور بزرگ*، چاپ چهارم، تهران: سمت.
- گرگی ازندریانی، علی اکبر (۱۴۰۰). *مبانی حقوق عمومی*، چاپ هفتم، تهران: جنگل.
- هداوند، مهدی، مشهدی، علی (۱۳۹۱). *اصول حقوق اداری در پرتو آراء دیوان عدالت اداری*، معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضاییه، تهران؛ خرسندی.

## مقالات

- باریکلو، علیرضا وسید علی خزایی (۱۳۹۰). "اصل حسن نیت و پیامدهای آن در دوره پیش قراردادی"، *مجله حقوقی دادگستری*، سال ۷۵، ش ۷.
- رحمت‌اللهی، حسین، شیرزاد، امید (۱۳۹۴). "بررسی اصل عقلایی بودن مقررات دولتی در نظام حقوقی انگلستان و ایران"، *حقوق خصوصی* سال ۱۲، ش ۲ (پیاپی ۲۷).
- رنجبر، احمد، (۱۳۹۴). "علل و موجبات ماهوی بازنگری قضایی اعمال و تصمیمات اداری (بررسی مقایسه ای حقوق اداری هند، پاکستان، ایران)"، *رساله دوره دکتری*، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
- زارعی، محمدحسین؛ شجاعیان، خدیجه (۱۳۹۳). "اصل غیر عقلایی بودن در حقوق اداری و انعکاس آن در آرای دیوان عدالت اداری" *پژوهش حقوق عمومی*، سال شانزدهم، شماره ۴۵.
- شفیعی سردشت، جعفر، گرگی ازندریانی، علی اکبر، قانع، علی (۱۳۹۵). "اعمال نظارت‌ناپذیر قضایی دولت در نظام حقوقی ایران"، *مجله حقوقی دادگستری*، دوره

۸۰، ش ۹۶، ش پیاپی ۹۶.

گرچی ازندریانی علی اکبر، خادمی مازیار (۱۳۹۵). "حوزه ها و محدودیت های نظارت اساسی بر قوانین عادی در نظام حقوقی هند"، *دانش حقوق عمومی*، دوره ۵، ش ۱۶.

مشهدی، علی (۱۳۸۹). "توجیه و نقد کنترل پذیری صلاحیتهای تخییری قوه مجریه"، *مجله اطلاع رسانی حقوقی*، شماره ۲۱ و ۲۲.

ملک محمدی و ارابی (۱۳۹۳). "بررسی تطبیقی مبانی نظارت قضایی بر اعمال دستگاه های اداری و ارزیابی الگوهای نظارتی در نظام های حقوقی ایران، انگلیس، فرانسه و آلمان"، *حقوق تطبیقی (نامه مفید)*، دوره ۱۰، ش ۱۰۱.

نجابت خواه، مرتضی (۱۳۸۸). "مفهوم سواستفاده از اختیار در نظام حقوقی کامن لا"، *فصلنامه حقوق و مصلحت*، سال دوم، شماره ۵.

نیکونهاد، حامد؛ کلوندی، حدیث (۱۴۰۰). "تأملی بر مفهوم و مصادیق سوءاستفاده از مقام و موقعیت اداری در رویه شعب دیوان عدالت اداری"، *پژوهش های نوین حقوق اداری*، دوره ۳، شماره ۷ - شماره پیاپی ۷.

ولایی، علی؛ جلالی، محمد (۱۴۰۲). "مفهوم شناسی حسن نیت در حقوق عمومی" *پژوهش های نوین حقوق اداری*، دوره ۵، شماره ۱۷.

ویژه، محمدرضا (۱۳۹۱). "نظارت قضایی دیوان عدالت اداری بر مقررات اجرایی"، *پژوهش حقوق و سیاست*، دوره ۱۴، ش ۳۷.

هداوند، مهدی (۱۳۸۷). "نظارت قضایی، تحلیل مفهومی، تحولات اساسی (طرحی برای توسعه حقوق اداری و ارتقای نظارت قضایی)"، *مجله حقوق اساسی*، ش ۹.

## ب) انگلیسی

**Books**

- Andreescu Marius .(2010) Proportionality -A Constitutional Principle, Article;  
Source :International Conference :CKS.p.
- Kumar ,Ajaya & Kumari ,Ambika. (2001). Principles of Adminidtrative  
Law, Andhra Law House ,Visakhapatnam,
- Markose ,A.T. (1956). Judicial Control of Administrative Action in India, Madras  
Law Journal Office.
- Patnaik, Mizoram (2008). Dimensions and Perspectives: Society, Economy &  
Polity, New Delhi: Concept Publishing Co.
- Rao K.V (1961). Parliamentary Democracy of India, Calcutta: TheWorld  
Press Pvt.
- Saxena, Manju & Chandra,Harish (1999), Law and Changing Society, Deep  
and Deep Publication ,ed.
- William A Robson. (1955) Justice and Administrative Law, London: Slevn  
and Sons.

**Articles**

- Antharvedi, Usha (2008). *Judicial Review of Administrative  
Actions* SSRN: <https://ssrn.com/abstract=1104955> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.1104955>.
- Aslam, Mohd Aqib (2022). “Judicial Review of Administrative Actions: An  
Overview”, *Journal of Indian Scholar* (ISSN 2454 – 7336. Online).
- Craig, Paul P (2010). »Proportionality ,Rationality and Review ,«Faculty of  
Law ,University of Oxford ,New Zealand Law Review, Vol 36.
- Deepali Anand BA.LLB (2018). “Judicial Review of Administrative Actions”,  
Indore Institute of Law, Volume 2.
- Rakesh, Chandra (2017). “Administrative discretion,» *International Jour-  
nal of Academic Research and Development* vol.2, No. 4.
- Sobti, Diksha & Saini, Shubham (2021), “The Scope and Extent of Judicial

Review in Administrative Action”, *Quest Journal of Research in Humanities and Social Science*, Vol 9 ~ Issue 11.

Vincent, oy(2018). “The Use and Abuse of Discretionary Powers of Governor in Formation of Ministry in a State in India”, *Indian Journal of Public Administration*, vol.64, No.2.